



پاسداری از ارزشهای والای انسانی و دموکراتیک قانون اساسی

تذکر:

این مقاله در پنجمین کنفرانس انجمن
حقوقدانان افغان در اروپا که بتاريخ 8
دسامبر 2019 در شهر انتورپن کشور
بلجیم تدویر یافت، ارائه گردیده بود.

انجمن حقوقدانان همیشه اصل دفاع از حاکمیت قانون را مطرح نموده است.

افغانستان صد سال قبل به عرصه تدوین قوانین پا گذاشت و قانون اساسی ۱۳۰۱ هـ ش نخستین فصل حقوق موضوعه در تاریخ نظام حقوقی این کشور است.

ورود افغانستان به مرحله تدوین قوانین، محصول تحولات مهم داخلی و بین المللی بود. در سال ۱۲۹۸ افغانستان اعلان استقلال نمود و کشورهای جهان نیز بتازگی دو جنگ بزرگ در مقیاس جهانی را پشت سر گذاشته بودند. و ازین رو، اوضاع داخلی و بین المللی دستخوش تغییرات عمیق گردیده بودند.

نهضت اصلاحی دوره اُمّانی که با کسب استقلال و تدوین حقوق اساسی آغاز شد، نتوانست راه خود را بسوی توسعه پایدار کشور باز نماید. واکنش شدید سنتگرایان مداخلات عوامل خارجی، کم تجربگی و افراط گرایی برخی سران اصلاحات، سرانجام حرکت ترقی خواه مردم افغانستان را عقیم، جنبش نوپای حقوق اساسی را متوقف و شاه اُمّان الله را مجبور به ترك سلطنت و کشور نمود.

با وجود این ، جنبش مزبور اثر مهم در حقوق افغانستان به یادگار گذاشت و تدوین قانون اساسی به سنت پایدار تبدیل گردید. به طوریکه هر کدام از حکومت‌های بعدی ، ملزم به داشتن قانون اساسی شدند.

پس از ایجاد اولین قانون اساسی سال ۱۳۰۹ با آنکه تحول مهم در بر نداشت. اوضاع و احوال کشور به گونه ای تغیر نمود که باز نگری و تدوین مجدد قانون اساسی به نیاز مبرم جامعه تبدیل گردید. و قانونی اساسی ۱۳۴۳ پاسخی به این نیازها بود.

قانون اساسی مزبور اگر چه رژیم مطلقه را به سلطنت مشروطه تبدیل و ادامه حکومت را مشروط به موافقت پارلمان نمود. اما بازهم نتوانست زمینه های لازم و شیوه های متناسب و منطبق با واقعیت های جامعه افغانی را جهت مشارکت سیاسی مردم در سرنوشت خود ، فراهم آورد و ازین رو حکومت و قانون اساسی به راه خود رفتند و مردم و گروه های سیاسی نیز راه خود را برگزیدند.

بن بست سیاسی که در نتیجه این وضعیت پدید آمد ، زمینه دخالت نیروهای مسلح کشور را فراهم ساخت که حدود بیشتر از چهار دهه تمام کشور در گیر جنگ داخلی و رقابت های نظامی و سیاسی بین المللی نمود.

از آنجاییکه همه میدانیم. قانون اساسی عالیترین سند حقوقی يك کشور و رهنمای برای تنظیم قوانین دیگر است ، قانون اساسی تعریف کننده اصول سیاسی ، ساختار ، سلسله مراتب ، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت را در يك کشور و تعین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور میباشد هیچ قانون نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. قانون اساسی افغانستان مصوب سال ۱۳۸۲ هـ ش در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده ، یکی از مدرن ترین قانون اساسی در جهان و منطقه بحساب میرود. در این قانون اساسی از سوی به ارزش ها و مطالبات تاریخی کنونی و آینده مردم افغانستان و همینطور واقعیت های اجتماعی ، فرهنگی جامعه توجه لازم صورت گرفته و از طرف دیگر به ارزشهای جهان مدرن و ایجابات يك جامعه مطلوب و دموکراتیک و قابل قبول برای جهان امروز.

ازین رو میشود گفت که این قانون اساسی یکی از افتخارات و دستاوردهای تاریخی مردم افغانستان به حساب میرود.

افغانستان عضو جامعه جهانی و یکی از امضاء کنندگان کنوانسیون های بین المللی و اعلامیه جهانی حقوق بشر بوده ، اصول و ارزش های ان در قانون اساسی. ما نیز تسجیل یافته است.

بدنترتیب ما. بمثابة شاگردان حقوق و افراد متمدن مکلفیت داریم تا پاسدار ارزش های متعالی و مترقی باشیم ، که جهانشمول بوده و در مطابقت به فرهنگ و دین ما قرار دارد.

اگر بطور مشخص به موضوع نظر اندازیم بعد از سال ۱۲۹۲ میلادی ، هفده سال میشود دارای قانون اساسی هستیم ، که از ویژگی های خاص برخوردار ، اصول و ارزشهای انسانی در ان تسجیل یافته است.

بدین رو رسالت ما است تا ازین ارزشها و اصول مدرن و مترقی مندرج در قانون اساسی پاسداری نماییم. این پاسداری در دو عرصه برای ما مطرح است.

دفاع از تطبیق قانون اساسی و مشخص ساختن دلایل عدم رعایت و تحقق آن.

— پاسداری از ارزش های مترقی و متمدن قانون اساسی.

البته آماج سخن من همین بخش دوم است.

به دلیل ساده ، که این اصول مخالفان خود را دارد. و مخالفان را میتوان به چند دسته تقسیم نمود.:

مخالفان داخل نظام

مخالفان در جامعه و مخالفان مسلح دولت. وجه مشترك هر سه کته گوری نپذیرفتن حاکمیت قانون میباشد. و اینجاست که ما در برابر دو سؤال اساسی قرار میگیریم:

ختم جنگ و رفتن به صلح و یا گذار به شاهراه بازسازی و انکشاف.

که بدون حل این دو سؤال ، جامعه فروپاشیده و به شدت منقطب و افغانستان تداوم نخواهد یافت و هیچگاهی صلح واقعی نخواهیم داشت.

اساسی ترین وسیله رفتن به این دو هدف ، عبارت از دولت مقتدر ملی میباشد. چنین دولت فقط در پرتو قانون و به اتکا به قانون مطرح است.

اکنون که مذاکرات صلح در دستور کار قرار دارد ، یکی از مباحث ، با مخالفان مسلح (طالبان) مبحث قانون اساسی است.

بحث دین در قانون اساسی کشور و چگونگی تعامل آن با ارزشهای حقوق بشری يك موضوع مهم بوده و ما میدانیم که قانون اساسی کشور علاوه بر رویکرد که نسبت به ارزشهای دینی دارد متعهد و ملتزم به رعایت ارزشهای حقوق بشری نیز وبطور همزمان میباشد.

طالبان در این موضوع دو برخورد دارند. انعه که زیاد تر سیاسی و کمتر ایدئالوژیک اند از قانون اساسی صحبت مینمایند. کته گوری دوم ، اکثریت طالبان را میسازند، که به نفس قانون اساسی معتقد نیستند و از نفاذ شریعت به سبک و سیاق خود حرف میزنند

بدینرو باید ما اصول را مشخص و جانبدار آن باشیم.
با توجه به اینکه کدام اصول خط اساسی قرمز است.

استقلال
تمامیت ارضی.

حاکمیت ملی که بطور انحصاری و بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های ناشی از آن به مردم تعلق دارد.
دوم. ارزشهای جهانشمول است که در مذاکرات باید خط سرخ باشد.

ازادی ، برابری و تساوی حقوقی تمام اتباع و شهروندان افغان که منجمله شامل برابری زنان و مردان نیز میگردد.
وحدت و وفاق ملی در جامعه کثیر القومی افغانستان که بقول شاه امان الله :موجودیت افغانستان در گرو وحدت ملی آن میباشد. و از مواد ۲۲ تا ۵۹ و اخیر آن فصل درج میباشد.

که بر طبق ماده هفتم قانون اساسی ، دولت مکلف به رعایت آن میباشد ، که در اصل باز تاب منشور ملل متحد ، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های ناشی از آن میباشد.

در افغانستان پس از طالبان تلاش شد برای زنان حمایت های حقوقی ایجاد شوند ، اما. مسئله اصلی همچنان اصلاح فرهنگ مرد سالار ، اصلاح قوانین و اجرائی شدن این قوانین است.

این در حالیکه که موجودیت گروه های مثل طالبان ، و داعش زن ستیز و نگرانی های زیادی نسبت به آینده ای دموکراسی و حقوق زنان در منطقه خلق کرده اند. و اما در بعد داخلی نیز مشکلات فراوان فراروی زنان وجود دارد. تحدید. جدی برای نقض حقوق زنان بشمار میرود که مهمترین آن فرهنگ مردسالار ، دولت و اجرای قوانین میباشد.

و بیجا نخواهد بود، وضاحت بیشتر در مورد حقوق زنان در قانون اساسی داشته باشیم.

حقوق زنان به عنوان يك انسان ، شهروند و تبعه افغانستان در تمام ماده های قانون اساسی بشکل مساویانه و برابر ذکر شده است. به این معنی که در مورد تأمین حقوق انسانی اتباع افغانستان از کلمات استفاده شده است که بار معنای عام دارد و شامل هر دو جنسیت میشود ، ولی در بعضی موارد حتی زنان به عنوان قشر آسیب پذیر و نیاز مند حمایت های ویژه ، بصورت خاص تر مورد توجه بیشتر قرار گرفته است.

در ماده ۲۲ قانون اساسی حق برابری و تساوی جنسیتی و انسانی بشکل برجسته و اساسی انعکاس یافته هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از مرد و زن در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی میباشند.

حق برخورداری از حمایت ویژه :

زن به عنوان کانون و محور خانواده طبق قانون اساسی مستحق حمایت های خاص است و ازین رو طبق ماده ۵۴ دولت ملزم به حمایت از مادر (زن) میباشد. ماده ۴۴ قانون اساسی کشور در مورد تعلیم و آموزش زنان صراحت دارد و دولت مکلف است ، تا بمنظور ایجاد توازن برای تعلیم زنان ، زمینه های مؤثر را طرح و تطبیق نمایند. قانون منع خشونت بزرگترین دستاورد است در کشور ما. که با وجود مخالفت های شدید در پارلمان ، توشیح گردید. که بر يك تعداد ان به ایجاز مکث مینمایم:

ماده چهارم که از حاکمیت ملی صحبت مینماید.

ماده ششم از عدالت اجتماعی سخن دارد

ماده ۲۲ از منبع تبعیض و برابری زن و مرد صحبت میدارد

ماده ۲۳ از حق حیات و مصوونیت ان حرف میزند

ماده ۲۴ ازادی را حق طبیعی شهروندان میداند.

ماده ۲۹ از عدم تعذیب و شکنجه صحبت دارد

مواد ۲۵، ۲۶، ۲۷ پرنسیب های جهانشمول مشروعیت جرم و جزا را مشخص ساخته است.

ماده ۳۱ از حق داشتن وکیل حرف دارد.

مواد ۳۵ و ۳۶ از ازایجاد احزاب و تظاهرات صحبت دارد.

به همین ترتیب درج حقوق :

مسکن

تحصیل

حق کار

صحت عامه و سایر حقوق ، در مواد بعدی این فصل تسجیل یافته است. و همچنان در قانون اساسی در مواد ۲۲ تا ۸۳ اصول خوب تبعیض مثبت در مورد اشتراك نماینده اقلیت هندو باوران و سگها و همچنان حتمی بودن دو نماینده زن در ولسی جرگه که همیشه باید مورد دفاع قرار گیرد. بدترتیب بخاطر منافع بزرگ ملی و برای حفظ و تداوم افغانستان ، باید ما مدافع ان ارزشهای باشیم که این خواست را تضمین میدارد.

در جامعه افغانی همیشه از مصلحت صحبت میشود. و بالاترین مصلحت اجتماعی در قانون بازتاب و وجود دارد فقط قانون باید رهبر و برتر باشد و حاکمیت قانون پل وصل ما با جهان مدرن است.

با حرمت

و از توجه تان تشکر.